



روز گذشته در میان انبوه خبرهای منتشر شده در فضای مجازی، به نسبت ماه‌های اخیر شرایط آرام‌تری سپری شد؛ آنچنان که بخش عمده‌ای از این مطالب به خبرهایی درباره سریال‌ها و فیلم‌های در حال ساخت همچون «افرا» اختصاص دارد که با استوری «مینا وحید» بازیگر این مجموعه تلویزیونی منتشر شده و البته خبرهای خوبی که از جمله‌شان می‌توان به صدور پروانه نمایش «روزی روزگاری آبادان» اشاره کرد که خبر آن را «حمیدرضا آذرنگ» منتشر کرده است. در کنار اینها شادباش اهالی سینما و تئاتر برای هنرمندانی همچون «فرهاد آتیش» و «الهام پاهو‌نژاد» هم دیده می‌شود. اتفاق دیگری که خوشحالی هنردوستان را رقم زده اختصاص جایزه ویژه داوران «فستیوال ولز بریتانیا» برای فیلم «شانی پروانه» به کارگردانی «محمد کارت» است.

■ چهره‌ها



احترام برومند، بازیگر و مجری تلویزیون با انتشار تصویری در اینستاگرام زادروز «فرهاد آتیش» بازیگر و کارگردان تئاتر را تبریک گفته و نوشته: «فرهاد آتیش عزیز، هنرمند خوب و متواضع، بازیگر شیرین، کارگردان مسلط تئاتر، سالروز تولدتان بیست و هفتم شهریور ماه مبارک.

برومند در مطلب دیگری هم زادروز «فرهاد آتیش» را تبریک گفته و برای او نیز نوشته: «بیست و هفتم شهریور ماه سالروز تولد هنرمند خوب تئاتر، سینما، تلویزیون، الهام پاهو‌نژاد عزیزمان است، تولدش مبارکمان باشد.»



غزل شاکری، بازیگر و دختر زنده‌یاد «فرشته طائرپور» هم با انتشار پستی چند جمله‌ای در غم فقدان هنرمندی گفته که تنها مادرش نبوده و حق بسیاری هم بر گردن سینما، ویژه سینمای کودک کشورمان دارد. او نوشته: «به یاد فرشته طائرپور که قصه‌ای جادوان سرود و رفت.» او در این نوشته‌اش از مراسمی برای یادبود طائرپور خبر داده، این مراسم کاشت نهال به یاد سینماگر شاخص کشورمان است که جمعه دوم مهر ماه، ساعت ۵ صبح برپا می‌شود. در متن این دعوت آمده: «به کمک دوستانمان در «نهالت» به یاد فرشته طائرپور، به یاد عزیزانتان و برای آینده‌ای بهتر نهال خواهیم کاشت.»

■ خبر

حمیدرضا آذرنگ هم روز گذشته خبری برای سینمادوستان داشته، آن‌طور که در اینستاگرام نوشته، فیلم سینمایی «روزی روزگاری آبادان» موفق به کسب پروانه نمایش شده است. این فیلم قرار شده به کارگردانی آذرنگ و تهیه‌کنندگی عبدالله اسکندری و علی اوجی بزودی در سینماهای کشور اکران داده شود. «روزی روزگاری آبادان» کاندیدای هفت رشته سیمرغ بلورین



از جشنواره فیلم فجر هم شده. فاطمه معتمد آریا، محسن تنابنده، الهام شفیعی، هیراد آذرنگ، سهیل جمالی، امیرحسین ابراهیمی و سهیل دانش اشرافی از جمله بازیگرانی هستند که در این فیلم ایفای نقش کرده‌اند. اما اگر بخواهید مختصری هم درباره داستان آن بدانید، ماجراهای این فیلم در آبادان سال ۸۱ سپری می‌شود. خانواده پنج نفری «مصیب» در آخرین روز سال مشغول خرید شب عید هستند اما به دلیل حال بد «مصیب» که ناشی از گرفتاری‌اش به مواد مخدر است دچار کشمکش می‌شوند. در اوج تلاش مادر خانواده برای به آرامش رساندن خانواده به ناگاه اتفاقی غیرمنتظره همه آنها را غافلگیر می‌کند. اولین نمایش این فیلم در سی و نهمین جشنواره فیلم فجر انجام شده است.

پایاده رو

ارفعان پهداروند
پژوهشگر تئاتر

یک پیشنهاد نمایشی:

تجربه زیستی جنگ

بازتاب آثار وضعی «جنگ» در متون ادبی مقارن با رویداد آغاز می‌شود و تا نسل‌های بعد ادامه پیدا می‌کند و در هر دوره، آینه‌وار، گزارشی از زمان تولید است که عمیقاً با روزگار خود انطباق دارد. دبیهی است هرچقدر از دوره جنگ دورتر می‌شویم، مکانیسم تولید متون از گزارش‌گویی و تهییج به جامعه‌شناسی جنگ و سوگیری‌های انسانی پوست‌اندازی می‌کند. آرمان‌خواهی و قهرمان‌آفرینی آثار دوره نخست همان قدر قابل اعتنا و ارجمند است که تقابل‌ها و تعارض‌های متأخر. در واقع این خاصیت آینه‌گی هنر است که با ابراز و اظهار نسل‌ها و پیردانش رویدادها بزع‌م خویش؛ خودآگاه و ناخودآگاه به تدوین و تولید

استنادهای تاریخی می‌کوشد. «تئاتر» نیز هم چون دیگر هنرها در مواجهه با تعرض سرزمینی و اشغال خاک وطن؛ تکلیف شهروندی خود را مقطع به مقطع از ترغیب و قداست‌بخشی، ستایش‌انگیزی، ترمیم روانی، امیدآفرینی، عوارض‌نمایی و در نهایت انتقاد از سرنوشت بازماندگان و اعتراض به چرایی جنگ ابراز داشته است که حاصل این تفکر؛ تولید متون و آثاری نمایشی است که بسیاری از آنها در خاطر مخاطبان تئاتر امروز، بی‌زوال است. از جمله نویسندگانی که نامی گره‌خورده به تئاتر جنگ دارد؛ «حمید آذرنگ» است. درک مستقیم جنگ و ماندگاری آلام و ابتلائات آن و تعلقات روحی روانی آذرنگ در تألیف نمایشنامه‌هایی هم چون روزی روزگاری آبادان، خنکای ختم خاطره، دولیتر در دو لیتر صلح، هتلی‌ها و همچنین ترن به‌خوبی قابل مطالعه است. آذرنگ بیش از هر چیز به طرح ناپیداهای جنگ و نشانه‌شناختی‌های هنری آن و بازتعریف آدم‌هایی پرداخته است که تجربه‌های زیستی مستقیمی در آن داشته‌اند.

نمایشنامه «دومتر در دومتر جنگ» متولد مداومت جنگ در سالیان پس از جنگ است. در این متن، مؤلف با احضار آدم‌هایی که روزی در خاکریزهای مقابل، یکدیگر را دشمن می‌دانستند، گفت‌وگوآفرینی می‌کند و با انتشار میورگی عنصر طنز در مواجهات طرفین جنگ، به ارزش خاک و شرف دفاع از میهن تأکید می‌کند. آذرنگ در این نمایشنامه هیچ موقعیت جغرافیایی را طرح نمی‌کند و به سربازو

حمایت از تئاتر الزامی است

تئاتر هنری مردمی و در عین حال فرهیخته و در واقع فرهنگ ساز است و هر مملکتی که برای ساختن و بقای فرهنگش هزینه کند همواره سرپا و سربلند می‌ماند.

اگر دلمان لک زده برای یک تئاتر ناب و استقرار تئاتری که سراپا متفکر، فرهیخته و انسان‌ساز باشد، باید که بر آن آگاهانه‌تر و عمادانه‌تر تأکید ورزیم و باید هنرمندان مستقل و فرهیخته را که هیچ نوع دیدگاه سودجویانه به آن ندارند، تحت حمایت قرار دهیم. حمایت همه‌جانبه که مکانی برای تمرین پیوسته و پابرجانی گرویشان داشته باشند و تعیین یک مقرری که ارتزاق روزانه شان بی‌چون و چرا فراهم باشد و در نهایت برنامه درست برای انتخاب و نوشتن متون درخور تأمل و فرهنگ ساز در این گروه‌ها ممکن شود و در نهایت داشتن تالارهای نمایشی مناسب و پیوستگی ارتباط با مخاطبان و تبلیغاتی که مردم را به سوی همین تئاتر ناب و فرهنگ ساز بکشاند. پیامد این حضور داشتن و ساختن آدم‌های باتألیزه و بالایا ایات است که در زندگی و کار و تحصیل مدام با نیروی خلاقیت به‌دنبال نوجویی و ایجاد سازوکاری بهینه هستند و اینان برای ایجاد یک وضعیت بهتر همگانی بروخواهد آمد و همگرایی ملی و انسانی نیز برای ستیز با بیگانه و نیروهای شر توانا‌تر خواهد شد و در نهایت بستر مردمی نیرومند و واکسینه شده نسبت به بالایای بیگانگان ممکن تر خواهد شد و همه اینها انگار که لا‌ادری اتفاق می‌افتد چون ذات هنر و بویژه هنر تئاتر همین بی‌واسطه بودن‌ها، تأثیرات و القائات غیرمستقیم است و این همان نگره پویا و خلاق است که هر نظم نوینی باید که برای ارائه فضاهای سازگار و همگانی شدن یک آنتروپی کارآمد از آن بهره‌مند شود.

بنابراین حمایت از تئاتر در کشور ما بیشتر از هر جایی می‌تواند الزامی باشد چون تئاتر یک وسیله است برای پردازش غیرمستقیم یک فرهنگ پویا و کارآمد که مردمان را نسبت به هم حساس‌تر و نسبت به یک روال رو به پیش متعالی تر نگه می‌دارد. تئاتر نیازمند توجه و حمایت است که پای سودجویان و افراد ضدفرهنگ از آن کوتاه شود که اینان آفت و آسیب‌اند که هر جایی باشند جز فساد و تبهکاری ارمغانی در پی نخواهند داشت و اگر در صحنه ابتذال و انحطاط پیوسته جاری و ساری باشد، پیامدش برهم ریختگی جامعه و گسترش ابتذال در همه زیر و بم زندگی خواهد بود. در نبودن و بستن تئاتر نیز انگار چیزی را از دست داده‌ایم و نداشتن و فقدان تئاتر نیز ما را به نوعی با دردسرهای دوچندان همراه می‌کند پس همان بهتر که سیاست‌ها و تدبیرات آگاهانه تری در پس و پیش تئاتر قرار دهیم و کن اصلی اش همانا بودن یک تئاتر حمایتی است که در آن افراد متخصص و فرهیخته را که از بار معنایی و مسئولانه تری نیزنسبت به جامعه برخوردارند، گردهم آیند و حتماً اینان دلسوزانه‌تر و هوشمندانه‌تر در تئاتر به‌دنبال ارائه فضایی به یقین فرهنگی بروخواهند آمد.

تئاتر هنر مردمی و برای مردم است اما کسانی در مقام نویسنده، کارگردان، بازیگر و طراحان باید در صحنه حضور پررنگی داشته باشند که از جنس خود تئاتر و برآمده از اصالت‌های فرهنگی باشند و بدانند که تئاتر آینه تمام نمای طبیعت است و در واقع انسان را به شکل طبیعی اش در مقابل انسان قرار می‌دهد و این همان فرایند و تزکیه‌ای است که در تئاتر باید ممکن شود. حالا در نبودن این حمایت‌ها و ایجاد یک فضای نسبتاً خصوصی که هر کسی برای بقای کارش دست به هر سیرک و تماشایی می‌زند، این در واقع عین ابتذال است و پیامدش فراگیر شدن ابتذال در کل ارکان جامعه است.

شسمی فضل الهی: کرون‌ا نسل خوش اخلاقی تحویل جامعه نخواهد داد

در دو سالی که کرونا آمده، واقعاً همه چیز را درگیر خود کرده است. به‌نظم باید فکری خاص برای این معضل شود. ما واقعاً آمادگی چنین اتفاقی را نداشتیم و تجربه کافی هم در این زمینه نداشتیم؛ بنابراین، این دوری‌هایی که از کرونا حاصل شده است ممکن است نسل خوش اخلاقی را تحویل جامعه ندهد، یعنی به نوعی نسل فعلی از این بی‌ارتباطی‌ها خسته شده‌اند. ما با وجود کرونا عصر خاصی را می‌سازیم. در شرایط کرونایی و دشواری‌هایی که برای همگان پدید آورده است، چشم امید ما در زمینه کمک‌رسانی علاوه بر دولت به خود مردم هم هست؛ به‌دلیل اینکه مردم واقعاً شهر را آلوده می‌کنند.

از صحبت‌های این صد‌اپیش‌به‌با ایستا



- **دومتر در دومتر جنگ**
- **حمیدرضا آذرنگ**
- **نشر نوادا**

می‌کند هرچند طنز تلخ پابانی نمایش که شخصیت‌ها را سربازانی دفن شده در منطقه‌ای جنگی معرفی می‌کند؛ مؤید این نکته می‌تواند باشد که هم چنان جنگ باقی است و یشر نتوانسته است گریزی برای زیاده‌خواهی و افزون‌طلبی خویش ببیندش که بدان پایبند بماند. نمایشنامه دومتر در دومتر جنگ در سال ۱۳۸۵ توسط نیما دهقان به صحنه رفته است و بازخوانی آن بخصوص در سالروز آغاز جنگ تحمیلی لطفی دیگر خواهد داشت:

فرمانده ۲: پسر، حالا برای خودش مردی شده سرباز ۱: من سوخته بودم. به مِشت خاک سیاه فرمانده: داره یادم میاد. زخم، مادر چه‌جامه فرمانده: دخترم تا زبون باز کرد راهی شدم سرباز ۱: اینجا بمو بسپد سرباز ۲: فقط همون به جات سوخته بود سرباز ۱: مادرم! مادرم! یعنی هنوز زنده هست؟ [سکوت زمان می‌گذرد.]

ماجرای برادران شیردل

آستريد ليندگرن، از نویسنده‌های سرشناس معاصر داستان کودکان در سوئد است. از مشهورترین نوشته‌های او می‌توان «بی‌بی جوراب‌بلند»، «بومبو جان» و «دره گل سرخ» را نام برد. در کتاب «دره گل سرخ» که با ترجمه «عزیزالله قوطاسلو» و در انتشارات سوره مهر منتشر شده، کوشیده با دیدی عمیق و زیبایی کودکانه به تفسیر دنیای پس از مرگ بپردازد. داستان این کتاب از زبان کودکی به‌نام کارل شیر است که در دو سالگی، پدرش به دریا می‌رود و هیچ وقت برنمی‌گردد، بنابراین او به همراه مادرش، زیگنر و برادرش یوناتان زندگی می‌کند. کارل به‌علت بیماری نمی‌تواند به مدرسه برود و در بستر به سر می‌برد. او منتظر لحظه مرگ خود است اما در کمال ناباوری در یک آتش‌سوزی برادرش فوت می‌کند. به‌دنبال از دست دادن برادر و بی‌تابی‌های بسیار، او نیز از دنیا می‌رود. دو برادر در دنیای پس از مرگ یکدیگر را پیدا می‌کنند و داستان‌های کتاب از اینجا شروع می‌شود. هنگامی که آنها پابه‌پای هم می‌توانند در برابر پدیی‌ها پیروز شوند. در ابتدا و در چاپ‌های قبلی نام اصلی کتاب «برادران شیردل» بود اما در چاپ جدید نام این کتاب به «دره گل سرخ» تغییر پیدا کرده است. لیندگرن در این کتاب سرزمین پس از مرگ را با توصیف بسیار زیبا از دشت‌ها، دره‌ها، رودخانه، باغ و... و بخوبی، به‌تصویر کشیده است. همین موضوع، قدرت تخیل و مهارت کامل نویسنده در ساختن موقعیت‌های خاص را نشان می‌دهد. او در تمام داستان سعی دارد روحیه از خودگذشتگی و وفاداری را به مخاطب بیاموزد. «دره گل سرخ» اثری است الهام‌بخش درباره مردان و زنان و نوجوانانی که می‌کوشند تا با شفقت و گذشت و خودباوری خود و دیگران را نجات دهند. این رمان ما را در راهی پیش می‌برد که پر است از ماجراهای گوناگون و پر شور که هم مایه سرگرمی‌اند و هم آگاهی‌بخش. البته تصویرسازی‌های کتاب هم طبیعتاً جذاب بوده است و در همراهی بیشتر با داستان‌ها نقش پررنگی دارند.

تخیل و مهارت کامل نویسنده در ساختن موقعیت‌های خاص را نشان می‌دهد. او در تمام داستان سعی دارد روحیه از خودگذشتگی و وفاداری را به مخاطب بیاموزد. «دره گل سرخ» اثری است الهام‌بخش درباره مردان و زنان و نوجوانانی که می‌کوشند تا با شفقت و گذشت و خودباوری خود و دیگران را نجات دهند. این رمان ما را در راهی پیش می‌برد که پر است از ماجراهای گوناگون و پر شور که هم مایه سرگرمی‌اند و هم آگاهی‌بخش. البته تصویرسازی‌های کتاب هم طبیعتاً جذاب بوده است و در همراهی بیشتر با داستان‌ها نقش پررنگی دارند.

- **دره گل سرخ**
- **نویسنده: آستريد ليندگرن**
- **مترجم: عزیزالله قوطاسلو**
- **نشر سوره مهر**



کاش این دنیا هم مثل یک جعبه موسیقی بود، همه صداها آهنگ بود، همه حرف‌ها ترانه.



دلشدگان
علی حاتمی

تاریخ نهضت عاشورا-۳۴

تحریف در کمین اثری متبن

شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان ذهبی (۶۷۳-۷۴۸ ق.)، از چهره های بنام اهل سنت در قرن هشتم هجری است. وی رجالی، مؤرخ و محدث مطرح زمانه خود در منطقه شامات بوده و کتاب‌های بسیاری به رشته تحریر در آورده است. دو اثر بزرگ او، «تاریخ الإسلام» و «سیر اعلام النبلاء» نسبت به سایر آثار وی از شهرت بیشتری برخوردارند. ذهبی با تلخیص حدود پنجاه کتاب از پیشینیان خود توانست «تاریخ الإسلام» را که اثر مهمی در شرح حال بزرگان هفت قرن نخست اسلام است به رشته تحریر در آورد. از وی به عنوان محدث عصر خود یاد و گفته شده در بسیاری از دار الحديث‌های دمشق و قاهره، منصب استادی داشته است. ذهبی در شرح حال سومین امام شیعیان با عنوان «الحسین الشهید(ع)»، به

آیین

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

طور گسترده، به زندگی امام حسین (ع) پرداخته و افزون بر آنچه در شرح حال افراد می‌آورند، به مناقب و فضایل امام حسین(ع) اشاره کرده و به برخی از حوادث مهمّ واقعه کربلا، حواشی آن، حتی حوادث پس از آن بسط داده است. ذهبی داوری‌هایی را نیز درباره شهادت امام (ع) ویرانش آورده که جای تأمل دارد.

از آن جا که وی رجال شناس بوده، کوشش کرده تا گزارش‌های خود را مستند کند و آنها را با معتبرترین سندی که در اختیار داشته، مستند سازد که البته گاه، قضاوت‌ها و تحلیل های وی از این ازن ویژگی ارجمند را کم اثر می نماید. ذهبی برای تألیف کتاب «سیر اعلام النبلاء» بسیاری از کتب حدیث، تاریخ، رجال و انساب را مطالعه کرده و مورد استفاده قرار داده است.

منبع

اصلی او پیرامون حرکت امام (ع) از مدینه تا مکه، گزارش ابن سعد است و بعد از آن، گزارش عمار دهنی و نیز برخی گزارش‌های زیربن‌بگرمی باشد. وی در کتاب دیگرش، «تاریخ الإسلام»

هم ضمن وقایع سال ۶۱ هجری، به شرح حال امام حسین(ع) پرداخته؛ اما این شرح حال، به تفصیل مطالب او در «سیر اعلام النبلاء» نیست. گفتنی است لحن ذهبی، نسبت به امویان، در هر دو کتاب، مانند لحن می‌زی در «تهذیب الکمال»، ابن حجر در «تهذیب التهذیب»، ابن کثیر در «البدایه و النهایه» و دیگر مؤرخان شامی، لحنی جانبدارانه یا دست کم، پردرپوشانه است. تا آنجا که با وجود نقد و جرح سند و متن احادیث که از ویژگی های مهم کتاب های ذهبی به ویژه «سیر اعلام النبلاء» است و این نقد و جرح ها سلفیه (وهابیون)، می باشد لکن به دلیل لحن حمایت گرانه از خلفای اموی از اعتماد کامل به مطالب این اثر کاسته است. این کتاب بارها در لبنان، مصر و هند در بیش از بیست جلد به چاپ رسیده است.

«سیرُ اعلام النبلاء» از منابع مهم اهل سنت در زمینه صحابه شناسی، سیره شناسی و شناخت رجال و طبقات راویان احادیث نبوی به شمار می رود و مورد توجه بسیاری از سیره نویسان و مورخان پس از وی قرار داشته است. این کتاب با نام های مختلفی در میان علما شناخته می شود که از جمله آنها «تاریخ النبلاء»، «تاریخ العلماء النبلاء»، «کتاب النبلاء»، «اعیان النبلاء» و «سیر النبلاء» است. اما عنوان اصلی کتاب که در نسخه های عصر مولف موجود است همان «سیر اعلام النبلاء» است.

نویسنده در این کتاب، طبقات راویان را در چهل طبقه مورد بررسی و گزارش قرار داده و کتابت آن را پس از تألیف کتاب تاریخ الاسلام نگاشته است. از اینرو تفاوت هایی میان آن دو وجود دارد.

عکس نوشت

حتی در این روزهایی که افغانستان و ساکنانش حال و روز خوشی ندارند هم زندگی متوقف نشده؛ تصاویری که «میباد حمادی» از کابل ثبت کرده گویای این گفته است. مردم درشرایطی که این سرزمین به تصرف طالبان درآمده نیز دست از زندگی نکشیده‌اند. البته به‌دنبال وقوع تغییرات فعلی نگرانی بسیاری درباره آینده و سرانجام کسب و کار و تهیه /تسینم

